



بلاغت کاربردی

درس ۱۴

استاد: سرکار خانم فرخی

آموزشیار: آقای یزدانی

در درس گذشته فرا گرفتیم که زجر و بازداشتن از کاری بر وجه استعلاء و الزام را نهی گویند و بیان شد که نهی دارای یک صیغه می‌باشد که اگر در معنای بالا استعمال بشود حقیقت و گرنه حقیقت نیست. این درس به یکی دیگر از اقسام انشاء که کاربرد زیادی در کلام عرب دارد معنی استفهام می‌پردازد. استفهام عبارت است از طلب دانستنی که با ادوات مخصوص صورت بگیرد که به دو قسم تصویری و تصدیقی تقسیم می‌شود. این درس پس از شرح هر دو قسم، ادوات استفهام را نام برده و به کاربرد هر کدام اشاره می‌کند و در پایان برخی از معانی غیر حقیقی استفهام را بیان می‌کند. تشخیص معنای حقیقی از غیر حقیقی و همچنین تشخیص نوع معنای غیر حقیقی در هر عبارت علاوه بر ذوق سالم نیاز به دقت و تفکر در کلام دارد تا از قضاوت شتاب زده در معنای کلام به ویژه در کلام خداوند سبحان و اهل بیت عصمت (علیهم السلام) در امان بمانیم.

اهداف فصل چهارم: «استفهام»

انتظار می‌رود دانش‌پژوه پس از فراگرفتن این درس بتواند به پرسش‌های زیر پاسخ بدهد :

- استفهام چیست؟

- استفهام بر چند قسم است؟

- شروط استفهام حقیقی چیست و چه زمانی استفهام از حقیقی بودن عدول می‌کند؟

- ادوات استفهام چیست؟ اقسام و معانی هر کدام را ذکر کنید.

- فرق میان «هل» و همزه استفهام چیست؟

- معانی غیر حقیقی استفهام چیست؟

- ملاک در فهم و استنباط معانی غیر حقیقی چیست؟

- مثال‌هایی از قرآن برای معانی غیر حقیقی استفهام به همراه قرینه آنها بیاورید.

برای ورود به بحث به معنای آیات زیر توجه کنید.

۱. «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ»^۱.

۲. «أَتَخْشَوْنَهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ أَهَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ»^۲.

۳. «سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ»^۳.

۴. «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ»^۴.

۵. «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ»^۵.

تعریف استفهام و اقسام آن

طلب دانستن با ادوات مخصوص را «استفهام» گویند از این‌رو سوال کننده باید از چیزی سوال کند که یا آن را نمی‌داند یا فراموش کرده است.

استفهام به اعتبار نوع آنچه از آن سوال شده (مستفهم عنه) بر دو قسم است :

الف) استفهام تصویری

پس از این‌که اصل نسبت معلوم بود استفهام برای طلب تصور یکی از دو طرف نسبت را «استفهام تصویری» گویند و پاسخ آن باید به تعیین آن تصور باشد مانند سوال در آیه شریفه «أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبرَاهِيمُ»^۶ که اصل شکستن بت‌ها مسلم بود از این‌رو آنان از فاعل آن سوال می‌کنند.

^۱ . مائده/۹۱.

^۲ . توبه/۱۳.

^۳ . بقره/۶.

^۴ . الرحمن/۶۰.

^۵ . حدید/۱۶.

^۶ . انبیاء/۶۲.

در این نوع استفهام چون از تصور سوال شده گاهی به همراه «أم» متصله استعمال می‌شود که در این صورت این «أم» را معادل استفهام می‌نامند مانند استفهام در آیه شریفه «أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خُلُقًا أَمْ السَّمَاءُ»^۱. آن تصویری که در این نوع استفهام از آن سوال می‌شود گاهی اسم است مانند مثال‌هایی که گذشت و گاهی فعل است مانند آیه شریفه «أَتَخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ»^۲.

SCO1: ۵:۵۸

ب) استفهام تصدیقی

استفهامی که برای درک وقوع یا عدم وقوع نسبت به کار می‌رود را «استفهام تصدیقی» گویند و پاسخ آن باید به «نَعَمْ» یا «لا» باشد. در این نوع استفهام آوردن معادل برای استفهام ممتنع است و اگر «أم» پس از آن ذکر شود از نوع «منقطعه» و به معنای «بل» می‌باشد مانند آیه شریفه «أَفَسِحْرُ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ»^۳.

نکته

با توجه به تعریف استفهام روشن می‌شود که در هر دو قسم استفهام، سوال کننده باید نسبت به چیزی که سوال کرده علم نداشته باشد^۴ یا به سبب اینکه آن را نمی‌داند یا چون فراموش کرده است و غرضش از استفهام باید حاصل شدن صورت آن چیز در ذهن باشد.

از این رو اگر سوال کننده، پاسخ سوال خود را بدانند استفهام در معنای حقیقی خود به کار نرفته است و در معنای دیگری که مقام اقتضا دارد استعمال شده است. گاهی یک استفهام علاوه بر اینکه اراده معنای حقیقی در آن ممکن است برای اغراض بلاغی و معانی لطیف دیگری که متناسب با استفهام و مطابق با مقتضای حال است به کار می‌رود که البته این استعمال باید در پرتو قرینه‌هایی از سیاق کلام و شاهدهایی از حال باشد.

ادوات استفهام و تقسیم بندی آنها

ادوات استفهام عبارتند از :

«أ، هل، أم، ما، مَنْ، متى، أَيْآن، كيف، كم، أين، أُنَى و أَى».

این ادوات بر حسب آنچه که بوسیله آنها طلب می‌شود بر سه قسم می‌باشند :

۱. ادواتی که برای طلب تصور و تصدیق هر دو به کار بروند که منحصر در همزه استفهام است.

۲. ادواتی که تنها برای طلب تصدیق به کار می‌روند که عبارتند از «هل» و «أم» منقطعه.

۳. ادواتی که تنها برای طلب تصور استعمال می‌شوند که بقیه ادوات استفهام مانند «ما، مَنْ، أَى و . . .» این گونه می‌باشند.

۱. نازعات/۲۷.

۲. بقره/۸۰.

۳. طور/۱۵.

۴. یعنی بالفعل صورت آن چیز در ذهنش حاضر نباشد.

معانی غیر حقیقی استفهام

استفهام در بسیاری از موارد برای معنای حقیقی (طلب حاصل شدن صورت یک چیز در ذهن) به کار نمی‌رود و اگر چه در برخی از این موارد امکان اراده معنای حقیقی نیز باشد. معانی غیر حقیقی استفهام فراوان است که با لحاظ قراین و احوال متکلم و مخاطب فهمیده می‌شوند و در اینجا به مهم ترین آنها اشاره می‌کنیم.

۱. امر مانند استفهام در آیه شریفه «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ»^۱ که به معنای «انتها» یعنی از این کارتان دست بردارید می‌باشد.^۲

SCO۲: ۱۲:۰۱

۲. نهی مانع استفهام در آیه مبارکه «أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ»^۳.

۳. تسویه (یکسان دانستن) مانند استفهام در آیه کریمه «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ»^۴. این معنی مختص به همزه تسویه است و همزه تسویه همزه‌ای می‌باشد که پس از کلمه «سواء» علی «ما أبالی» علی «لیت شعری» و علی مانند آن واقع شود و راه شناختش این است که صحیح باشد به جای آن و جمله پس از آن مصدر جایگزین کرد.

۴. نفی مانند استفهام در آیه شریفه «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ»^۵ که علاوه بر قراین حالیه استثناء نیز بر آن دلالت دارد.

۵. استبطاء (کند شمردن) مانند استفهام در آیه کریمه «حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهَ»^۶.

^۱ . مائده/۹۱

^۲ . برای توضیح بیشتر به تفاسیر رجوع کنید.

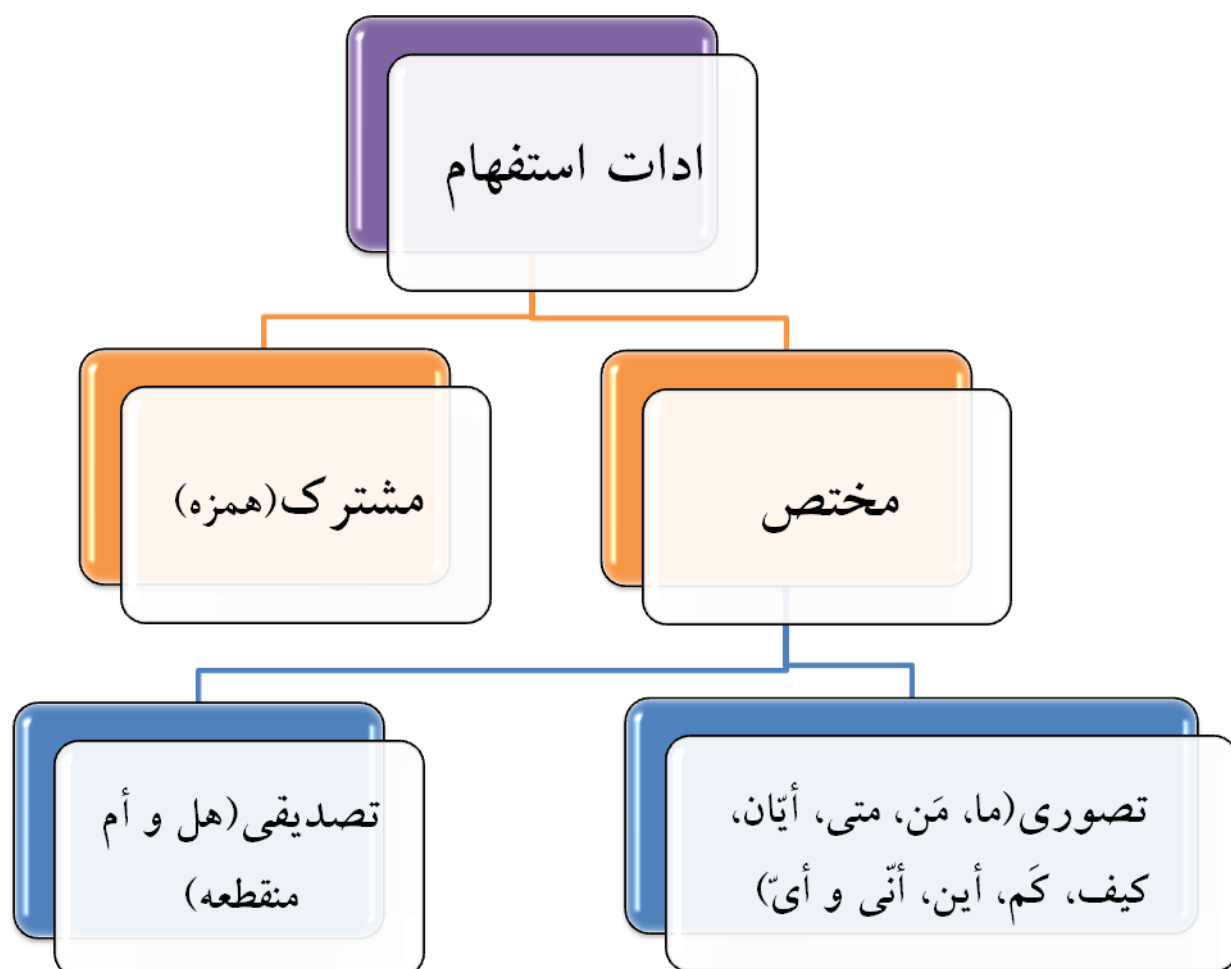
^۳ . توبه/۱۳

^۴ . بقره/۶

^۵ . الرحمن/۶۰

^۶ . بقره/۲۱۴

^۷ . مرحوم شیخ طوسی در کتاب التبیان می‌فرماید: اگر پرسیده شود که معنای سخن پیامبر و مومنین که گفتند «طوری خدا چه زمانی می‌رسد؟» چیست پاسخ می‌دهیم که برخی معنای آن را دعای برای طوی الهی دانسته‌اند نه استبطاء زیرا پیامبر (ص) می‌داند که خداوند طوی خودش را از وقت حکمت تاخیر نمی‌اندازد و برخی معنای آن را کند شمردن طوی الهی دانسته‌اند که این خطا است و انبیاء مرتکب مثل آن نمی‌شوند. و همین دو قول را در مجمع البیان نیز ذکر کرده است. رک التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص: ۱۹۹. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص: ۵۴۶.



Scor: ۱۷:۵۱

چکیده

۱. طلب دانستن با ادوات مخصوص را «استفهام» می‌نامند.
۲. لازمه سوال کردن (استفهام) ندانستن بی‌فراموش کردن است.
۳. استفهام بر دو قسم تصویری و تصدیقی می‌باشد.
۴. استفهام تصویری در جایی است که متکلم به اصل حکم تصدیق دارد یعنی می‌داند که نسبت کلامی واقع شده است بی‌نیازی و بی‌طرفی طرف حکم برایش مجهول است بی‌فراموش کرده است و در نتیجه پاسخ آن نیز باید به تعیین همان تصور باشد.
۵. استفهام تصدیقی در جایی است که متکلم اصل حکم را نمی‌داند یعنی تصدیقی نسبت به آن ندارد در نتیجه از آن سوال کرده و پاسخ آن نیز باید به بله بی‌خیر باشد.
۶. گاهی پس از همزه استفهام تصویری یک «أم» برای بیان معادل مستفهم عنه (آنچه از او سوال شده) ذکر می‌شود که به آن «معادل استفهام» گویند.
۷. اگر پس از استفهام تصدیقی «أم» بیاد به معنای «بل» بوده و منقطعه می‌باشد.
۸. ادوات استفهام عبارتند از «أ، هل، أم، ما، من، متی، آیا، کیف، کم، این، آنی و آئی» که همزه برای استفهام تصویری و تصدیقی هر دو به کار می‌رود ولی «هل» و «أم» منقطعه تنها برای استفهام تصدیقی و بقیه ادوات تنها برای استفهام تصویری استعمال می‌شوند.
۹. استفهام اگر برای طلب دانستن نباشد از معنای حقیقی خارج شده و در معنای غیرحقیقی استعمال شده است.
۱۰. معانی غیرحقیقی استفهام فراوان است مانند امر، نهی، تسویه و نفی که با توجه به قراین و شواهد کلام تشخیص داده می‌شود.